



## مؤلفه‌ها و شاخصه‌های عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

مجید بهستانی<sup>۱</sup>، عبدالرضا مغوی نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲

### چکیده:

یکی از دعواهای جناح‌های سیاسی در کشورها در سیاست خارجی این است که آیا دولت توانسته است رفتار خارجی عزت‌مدارانه‌ای اتخاذ کند یا خیر؟ در جمهوری اسلامی نیز به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، این سؤال بسیار بحث‌برانگیز بوده است و بعضاً یکی از عوامل اصلی روی کار آمدن یا برکنار شدن یک دولت به حساب آمده‌اند. زمانی که مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای بر اصول سه‌گانه «عزت، حکمت، مصلحت» در سیاست خارجی تأکید کردند، این امر بیش از پیش مورد توجه سیاستمداران و فعالان سیاسی قرار گرفت. در حالی که بیش از چهل سال است که جناح‌های سیاسی له و علیه یکدیگر از این واژه استفاده می‌کنند، در عین حال این واژه به صورت علمی مفهوم‌پردازی نشده، و شاخصه‌های آن محل مناقشه است. از آن جهت که تفاوت فلسفه‌ها به تفاوت مفاهیم و شاخصه‌ها منجر خواهد شد، در این مقاله مفهوم عزت در سیاست خارجی از منظر اندیشه رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت. برای پاسخ به این سؤال که شاخصه‌های عزت در سیاست خارجی از نگاه رهبر انقلاب چه می‌باشد، از روش تحلیل مضمون بیانات رهبری استفاده گردید. از مجموعه مؤلفه‌های استخراج شده، شاخصه‌هایی مانند حفظ تمامیت ارضی، رعایت احکام اسلامی، حفظ حقوق ملت، یا بی‌اعتنایی به قدرتهای بزرگ به دست آمده‌اند.

### واژگان اصلی:

اصل عزت، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، استقلال

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

behestaniam@gmail.com

<sup>۲</sup> - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

## مقدمه :

یکی از دلایل شکل گرفتن و اهمیت یافتن مفهوم عزت در روابط خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی، به انتقادات ناشی از نوع وابستگی سیاست کشور به قدرتهای خارجی در دوران رژیم پهلوی بازمی‌گردد. این کشور از دوران قاجار کاملاً تحت تأثیر سیاست قدرتهای بزرگ در منطقه قرار گرفت، به نحوی که بخش قابل توجهی از خاک آن از سرزمین مادری جدا گردید. معاهداتی مانند گلستان، ترکمنچای، و آخال، یا قراردادهائی مانند تنباکو، و ۱۹۱۹، یا رفتارهای حساسیت‌برانگیز روسها، انگلیسی‌ها یا بلژیکی‌ها در این دوره سابقه‌ای تلخ در ذهن ایرانیان برجای گذاشته است.

انقراض سلسله قاجار و برآمدن رضاخان نیز همواره برای نویسندگان و عموم مردم از این جهت محل سؤال بوده است که نیروهای خارجی در تشکیل سلسله سلطنتی جدید چه نقشی داشته‌اند؟ مداخله قدرتهای خارجی و ضعف دولت مرکزی در ایران در طول سالهای سلطنت پهلوی وضعیت روانی آزاردهنده‌ای برای ایرانیان به بار آورده بود. وقتی رضاشاه کوشید با کمی نزدیکی به ژرمنها، تا حدی از سایه استیلای بریتانیا خارج گردد، با مخالفت شدید آنها روبرو گردید، و در بجهت جنگ جهانی دوم در ازای خلع قدرت ذلیلانه، فرزندش از سوی ارتش انگلیسی به قدرت رسید. از سوی مردم و به خصوص فعالان سیاسی همه رفتارها و روابط خارجی شاه پهلوی تحت عنوان وابستگی و خدمت به منافع اجنبی‌ها تفسیر می‌شد: چه از نحوه آمدن و عزل پدر، و از چه از نحوه روی کار آمدن پسر در سال ۱۳۲۰ و سپس تجدید سلطنت در سال ۱۳۳۲، چه در معاهده گس-گلشائیان، چه کنسرسیوم نفتی، چه کاپیتولاسیون، چه به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر قدس، و چه حضور نظامی در ظفار و برخی نقاط دیگر. اگر گفته شود یکی از عوامل و زمینه‌های اصلی وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ نارضایتی مردم از سیاست خارجی شاه بود، حرف دقیقی است زیرا آنها همه آن اتفاقات را تحقیر ایران اسلامی میدانستند. از این رو، حمله به رفتار خاضعانه شاه در مقابل بیگانگان همواره محل انتقاد و اعتراض حضرت امام خمینی ره قرار داشت. این خواست عمومی در شعار استقلال‌خواهی متجلی گشت.

یکی از انتظارات افکار عمومی از جمهوری اسلامی این بود که استقلال ایران در تصمیمات خارجی حفظ شود، و کشور از دنباله‌روی منافع ملی قدرتهای بزرگ خارجی در منطقه و فراتر از آن، خلاص گردد. از همان روزها بلافاصله شعار «مرگ بر آمریکا» در کلام رایج تظاهرات مردمی مشاهده شد، و

سیاست «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» در رأس روابط خارجی قرار گرفت. کم‌توجهی دولت موقت به میزان احساسات ضداستعماری و ضدآمریکائی ملت سبب گردید تا در چند حادثه اصطحکاک میان دولت و ملت شکل بگیرد و در نهایت اعتراض شدید به ملاقات غیرمنتظره هیأت ایرانی با هیأت آمریکائی در یک نشست خارجی به سقوط دولت موقت منجر گردید. کوششهای ناکام آمریکائیه و روسها در برافروختن آتشیهای جدائی طلبانه در کشور، و نیز تهاجم همه‌جانبه عراق بعثی به تقویت حس میهن دوستی، استقلال طلبی و سیاست خارجی عزت‌مدارانه ایرانیان کمک کرد.

در عین حال، از همان روزهای اول پیروزی، میان جناح‌ها و گروه‌های مختلف فکری این اختلاف نظر عمیق وجود داشت که سیاست خارجی صحیح انقلابی کدام است؟ کدام نوع از روابط خارجی به حفظ استقلال میهن در عین حفظ عزت و کرامت ملت ایران کمک خواهد کرد؟ روشن است که هر کسی با توجه به منظر و فلسفه خویش پاسخ متفاوتی به این قبیل از سئوالات می‌دهد. رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای ولایت خویش فرمودند که اصول سه‌گانه «عزت، حکمت، مصلحت» بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌بایست حاکم باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸). با گذشت سی سال، همچنان این مناقشه برقرار است که کدام رفتارها عزت‌مدارانه، حکیمانه، و مصلحت‌اندیشی صحیح می‌باشد؟ بنابراین بعضی رفتارها از سوی برخی افراد سبب استقلال و عزت ملت ایران، و از سوی برخی دیگر عامل ضعف و ذلت تفسیر می‌گردد بر همین اساس، در این مقاله با کمک روش تحلیل مضمون تلاش خواهد شد تا براساس نظام اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مؤلفه‌ها و شاخصه‌های عزت در سیاست خارجی استخراج و احصاء گردد.

اینکه شاخصه‌های عزت در سیاست خارجی، از جمله نظام جمهوری اسلامی، چه می‌باشد تقریباً کاری انجام نشده است. نزدیک‌ترین مورد به مقاله دآوری و دیاری بیدگلی (۱۳۹۸) مربوط می‌شود که تلاش شده است مبانی قرآنی اصل عزت در سیاست خارجی احصاء و تبیین گردد. در ادامه نویسندگان این مبانی را با فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای درباره بکاگیری و نشانه‌های عزت در سیاست خارجی تطبیق دادند. مشابه این کار از سوی امینی و صفری (۱۴۰۰) به انجام رسیده است. در پایان- نامه رضائی اندیشمند (۱۳۹۵)، جایگاه اصول سه‌گانه عزت، حکمت، و مصلحت در اندیشه سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه آنکه این اصول می‌بایست توأمان در

مراحل سیاستگذاری، راهبردنگاری، تصمیم‌گیری، و اجرا مورد توجه قرار بگیرد تا اهداف مورد نظر به دست بیاید. در مقاله عباسی و نصیری (۱۴۰۰) از درون مجموعه بیانات رهبری آن دسته از اصولی که به اصول سه گانه عزت، حکمت و مصلحت قوام می‌دهند استخراج شده است. نصیری پویا (۱۳۹۹) در کوششی برای تطابق اصل عزت جوئی با راهبردهای متعارف سیاست خارجی، آن را نزدیک به راهبرد عدم تعهد معرفی می‌کند. مطابق با فرمایش رهبری وابستگی به قدرتهای بزرگ، پیروی از منافع ملی آنها، و به صورت مصداقی رابطه با آمریکا ذلت می‌آفریند، و راهبرد عدم تعهد بر استقلال از منافع قدرتهای بزرگ و اصالت منافع همه کشورها تأکید دارد. خدادی (۱۳۹۹) می‌کوشد برای اصل عزت‌جوئی چارچوبی تئوریک ایجاد کند تا براساس آن رفتار ایران در دوران دفاع مقدس تبیین گردد. به نظر وی، نظریه‌های موجود به این اصل توجه اندکی دارند، حال آنکه فهم دفاع مقدس با کمک آنها ناقص است. وی برای این مفهوم از مؤلفه «محدودیت خودخواسته در منازعات»، «اولویت هویت» و «منزلت جوئی» بهره می‌برد. مقاله شبان‌نیا (۱۳۹۹) نیز تلاش مناسبی است که به الزامات رفتاری دستیابی به عزت در روابط خارجی پرداخته است. نویسنده برای استخراج ظرفیتهای، و بایسته‌های رفتاری، جدای از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به سایر منابع از جمله قانون اساسی و متون دینی مراجعه کرده است. کبیری (۱۳۹۹) توأمان هر سه اصل عزت، حکمت، و مصلحت را در تطبیق با امنیت ملی دنبال می‌کند و به عناصر موقعیت زمانی، و اولویت مصلحت نظام به عنوان داوران نهائی نحوه بکارگیری آن اصول در سیاست خارجی رأی می‌دهد. اگر چه سخنان رهبری برای هر اصل جدا شده است، ولی مؤلفه‌ها و شاخصهای هر کدام مورد توجه قرار نداشتند. تلاش علمی نایب، نگهداری، و نوروزی (۱۴۰۰) برای این امر بود که چگونه می‌توان روابط علمی با دولتهای کافر داشت ولی عزت نظام اسلامی خدشه‌دار نشود؟ این پژوهش بر روی اصل تألیف قلوب در روابط خارجی توجه داشت و برای تناسب میان آن با اصل عزت شاخصهائی ذکر کرد. بنابراین چندان به شاخص‌های عزت نزدیک نگردید.

توضیحی که درباره منابع مذکور باید ارائه کرد این است که این کوششها به منابع، تعریف مفهومی، مؤلفه‌ها، اصول، راهبردها، یا ظرفیتهای عزت ملی پرداختند. پس از ارائه شاخصهای رفتاری غفلت شده است که محل تمرکز این مقاله است. ضمن آنکه به لحاظ روشی، عمده آثار محل اشکال هستند. یعنی به روشنی مشخص

نشده است که نویسندگان با کمک چه روشها و تکنیکهائی نکاتی را استنباط و نتیجه‌گیری کرده‌اند.

### چارچوب مفهومی: اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در سیاست خارجی

آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان دومین رهبر جمهوری اسلامی، جدای از اینکه بر ایده حضرت امام خمینی ره و اصول قانون اساسی در سیاست خارجی پایبند است، برای تقویت و توسعه آن به بسط نظری آن نیز کمک کرده است (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). اصول ۹ و ۱۱، و نیز اصول ۱۵۲ تا ۱۵۵ قانون اساسی خطوط و چارچوب کلی این را بیان کرده‌اند: از نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌گری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی، و مخالفت با ظلمها و بی‌عدالتی‌ها در سراسر جهان از جمله حمایت از نهضتهای آزادی‌بخش گرفته، تا پایبندی به معاهدات خارجی و بین‌المللی، حمایت از روابط صلح‌آمیز با دول غیرمحارب، احترام به مرزهای بین‌المللی، و ترجیح رابطه با کشورهای اسلامی بر کشورهای غیراسلامی، از جمله این اصول هستند (قانون اساسی ج.ا.ا). از آنجائی که در اسلام اصالت با صلح و سلم است، جهاد و تهاجم جنبه عرضی و ثانوی دارد (نیکزاد، ۱۳۸۳). با وجود این، به دلیل ماهیت تجدیدنظرطلبانه انقلاب اسلامی از یک سو، و سیاستهای تجاوزکارانه و سلطه‌گرایانه قدرتهای بزرگ از زمان پیروزی انقلاب، چه در قالب ساختار جهانی جنگ سرد، و چه در ساختارهای پسین، عملاً بعد سلبی، دفاعی و امنیتی سیاست خارجی کشور پررنگ شده است. این ساختار به بازتولید فرهنگ مقاومت در ایران کمک کرده است (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۲۷). به صورتی که خامنه‌ای می‌فرماید دیپلماسی یک نوع جنگ است، و شاید بعضاً از جنگهای متداول سخت‌تر و پیچیده‌تر باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۵). در رابطه با نوع رابطه با رژیم نوپای طالبانی در افغانستان، وی می‌فرماید «نوع رابطه‌ی ما با دولتها هم به نوع رابطه‌ی آنها با ما بستگی دارد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۶/۶)، کما اینکه پیش از این در ارتباط با کشورهای اروپائی ضمن استقبال از توسعه روابط گفتند اگر آنها بخواهند به ارزشهای اساسی کشور تطاول نکنند، جور دیگری تعامل خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷). در جای دیگر فرمودند که نظام اولویتها در دیپلماسی باید براساس منافع ملی و در چارچوب همان نظام ارزشی [انقلاب اسلامی] بر حسب تحولات روزمره باید نوبه‌نو بگردد و تصلب در این زمینه مورد قبول نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۳). بر این اساس، اندیشه سیاست خارجی ایشان از دو منبع اسلام و قانون اساسی، با رویکرد واقع‌نگرانه، تغذیه می‌شود. در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای ساختار بین‌الملل کنونی برخاسته از مناسبات استعماری قرن نوزدهمی

است که قدرتهای اروپائی و آمریکائی تلاش کردند ادامه تشنه‌های سرزمینی خویش را به سراسر جهان، از طریق دست‌درازی به منابع طبیعی و انسانی ملتها، توسعه دهند. این توسعه‌طلبی امپریالیستی عملاً باعث استعمار و عقب‌ماندگی بسیاری از کشورها شده است. از نظر وی ریشه بسیاری از بحرانهای منطقه‌ای و محلی کشورها ریشه در تداوم همان مناسبات دارد (اسدی، ۱۳۹۱/۲/۳۰). از آن جهت که به نوعی رفتار سلطه‌گرایانه قدرتهای استکباری بزرگ مانع پیشرفت ملتها است، حفظ استقلال و مبارزه با نظام سلطه در نظام فکری وی محوریت می‌یابد (اسدی، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۱۷؛ زارعی، ۱۳۹۸: ۲۲۰).

لازمه رسیدن به هدف استقلال در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه، افزایش اقتدار ملتها است. قدرتهای بزرگ با وابسته و ضعیف‌نگه داشتن کشورهای دیگر از طریق کنترل بر جریانهای مختلف قدرت‌زا از جمله چرخه علم یا چرخه صنایع حساس و خاص، یا انحصار در تولید بعضی سلاحهای راهبردی، ساختار قدرت را به نفع خویش حفظ می‌کنند تا جریان استعمار قطع نشود (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۱/۱۹). پس با سرمایه‌گذاری بر حوزه‌های مختلف علوم و فنون غیرنظامی و نظامی بر اقتدار ملی کشور افزوده خواهد شد. شکل گرفتن اقتدار در هر حوزه برخلاف راهبرد نظام سلطه است (اسدی، ۱۳۹۱/۲/۳۰).

اگر یک ملت در روابط خارجی خویش دارای اقتدار، در یک حوزه یا چند حوزه، باشد، عزت به دست می‌آید. پس مفهوم یا ویژگی عزت در سیاست خارجی نتیجه برآیند موفقیت در حوزه‌های دیگر است. البته این یک رابطه ضروری نیست، بلکه اگر در ملتی روحیه ایثار و مقاومت وجود داشته باشد، علی‌رغم ضعف و گرسنگی، در مقابل قدرتهای استکباری در جستجوی عزت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۷-۶۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۱/۹). البته کسب اقتدار و عزت در روابط خارجی به سادگی و به صرف اراده محقق نمی‌شود، بلکه ناشی از برخورد با مسائل براساس مبانی اسلامی، مبانی انقلابی، و عقلانیت‌ورزی است که در «الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه» قابل تعریف است (دهقانی فیروزآبادی و مرتضوی شریف، ۱۳۹۶).

### روش تحقیق: تحلیل مضمون

وقتی محقق به دنبال آن است که معنا یا تفسیر متن یا پدیده را برداشت کند، از رویکرد کیفی بهره می‌برد. بنابراین تعداد کمی پدیده‌ها یا کلمات مهم نیستند. پس افزایش بسامد یک واژه به نسبت سایر نظام واژگان به معنای برتری و اولویت آن در نظام فکری یک شخص نیست. ذیل این رویکرد، از جمله روشها برای استخراج الگوی فکری یک سیاستمدار یا یک نویسنده، روش تحلیل مضمون است. محقق

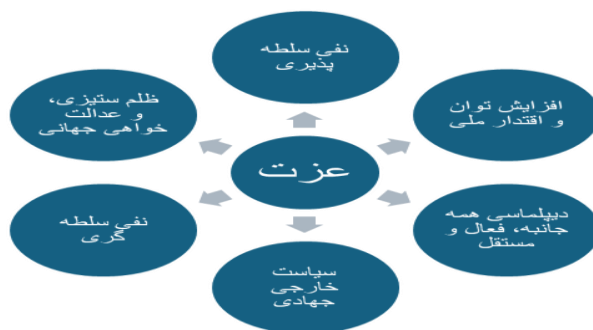
از بازخوانی واژگان و ارزشیابی و توزین آنها در درون متن، به نظام فکری احتمالی فرد دست می‌یابد. بنابراین کلمات جدا جدا به مفاهیمی غنی و تفصیل یافته الگویافته تبدیل می‌شوند (Braun & Clarke, 2006). معمولاً متون انتخابی/غیرانتخابی جامعه آماری آن را تشکیل می‌دهند (Attride-Stirling, 2001: 390). این روش از سه مرحله اجرائی برخوردار است: ۱) کدگذاری توصیفی: همه متون برگزیده چند بار خوانده می‌شود تا کلیت فضای فکری نویسنده برای محقق آشکار گردد. همچنین در طول این مطالعه، ایده‌های اولیه برای کشف مفهوم و مضمون، یا الگوهای احتمالی یادداشت‌برداری می‌شود. ۲) کدگذاری تفسیری: در این مرحله هر بخش از متن، شامل بند، جمله، عبارت یا واژه به عنوان یک کد، استخراج و کدگذاری می‌شود. باید دقت شود که این رمزگان دقیقاً مربوط به تحقیق مربوطه باشد و به الگوی نهائی فایده برسانند. این تنها کدگذاری اولیه است. ۳) یکپارچه‌سازی: بعد از آنکه مجموعه‌ای از رمزگان شناسائی و استخراج شدند، محقق می‌کوشد دریابد که آیا هر دسته از رمزگان قابل بازیابی ذیل یک مضمون واحد هستند؟ ذیل یک مضمون، یک تا چندین شاهد مثال یا رمز می‌تواند قرار بگیرد. ممکن است در این مرحله بعضی از کدها بدون مضمون مفید باقی بمانند که موقتاً حذف شوند، شاید در بازبینی مجدد مورد استفاده قرار بگیرند (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۴۸-۳۴۹).

### مفهوم‌شناسی عزت و شاخصه‌های آن

با استناد به آیه ۱۰ سوره فاطر: «کسی که خواهان عزت است باید از خدا بخواهد چرا که تمام عزت برای خداست...»، خامنه‌ای ویژگی عزت را برخاسته از اراده الهی می‌داند که خداوند آن را به خود، پیامبر خویش، و مؤمنان منحصر کرده است. در دایره‌ای وسیع‌تر اگر کسی خود را به نوعی در جبهه توحیدی تعریف کند مشمول این عنایت می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴). وی همچنین می‌گوید برای مفهوم عزت در روابط خارجی، دیگران نظریه‌پردازی کردند، از جمله برتری نژادی یا برتری مادی. ولی مطابق با آیه نفی سبیل «... و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است»<sup>۱</sup> و حدیث

<sup>۱</sup> «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱).

«اسلام برتر است و چیزی بر او برتری ندارد»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۹: ۴۷). او بر این باور است که ایمان و اعتقاد راسخ توحیدی در جهان تولید عزت می‌کند. اگر ملتی مسیر الهی خویش را گم نکند، هیچگاه دچار ذلت نمی‌شود ولی چه بسا قدرتها که در اوج توانائی مادی خویش ذلیل شدند<sup>۲</sup> (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸). وجود چنین روحیه ملی به این توانائی و استغنائی درونی می‌رسد که ملت هیچ گاه تابع اراده غلط و زور کشورهای دیگر نمی‌گردد (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۱۸). از مجموع بیانات رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان به شبکه‌ای از مفاهیم دست یافت که در بردارنده مؤلفه‌ها و شاخصه‌های عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌باشد. در نمودار شماره ۱ شبکه مؤلفه‌های اصل عزت ترسیم شده است. در ادامه شاخص‌های هر مؤلفه استنباط می‌گردد.



نمودار ۱: شبکه مؤلفه‌های اصل عزت در سیاست خارجی

۱- افزایش توان و اقتدار ملی: اگر ملتی بتواند در حوزه‌های مختلف سرمایه‌گذاری کرده، و ثمره آن را در افزایش توان ملی بیابد، زمینه عزت خودبخود فراهم می‌شود. حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی یا فرهنگی می‌تواند مورد نظر باشد. «بدانید یک ملت وقتی می‌تواند از کرامت خود، از عزت خود، از موجودیت خود به معنای واقعی کلمه دفاع کند که مستقل و متکی به خود، متکی به نیروی خود و

<sup>۱</sup> «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه».

<sup>۲</sup> این سخن با معنای صریح آیه ۲۶ سوره مبارکه آل عمران همخوانی دارد که «... تعز من تشاء و تذلل من تشاء...».

به اراده خود باشد و با توکل به خداوند متعال آمادگی را همیشه حفظ کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۷/۲۲). برای نمونه اگر کشوری دچار نفوذ و حفره‌های ضدامنیتی بشود، به عزت آن خدشه جدی وارد خواهد شد. اگر دشمنان بتوانند با توسعه شبکه نفوذ خویش در ساختار سیاسی کشور، ملت را از اهداف خویش دور کنند، آن کشور نمی‌تواند روی پای خویش بایستد. همچنین است اگر زبان و ادبیات بومی و ملی کشوری تقویت شود، به نحوی که همه اقوام و اقشار از بکارگیری صحیح آن احساس مثبتی داشته باشند، و حس تعلق ملی فزون یابد، بالطبع حس هویت ملی و سرمایه اجتماعی بالا می‌رود و بر عزت آن ملت افزوده می‌شود. بالعکس دوری از زبان مادری و ملی سبب تشمت ملی، و تقویت جریانهای واگرا می‌شود. پس مجموعه اقدامات قدرت‌زا و اقتدارآفرین سبب تولید عزت در جامعه می‌شود. در مقابل، خامنه‌ای بر این باور است که نتیجه سالها ایستادگی جمهوری اسلامی و سرمایه‌گذاری بر علوم و فنون اقتدارآفرین امروز در ابتدای گام دوم انقلاب اسلامی، کشور در جهان عزت دارد. گسترش حضور مقتدرانه منطقه‌ای ایران در غرب آسیا، و زمین‌گیر شدن آمریکا و متحدان منطقه‌ای او در منطقه از نشانه‌های عزت است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

**۲- سیاست خارجی جهادی:** چنین اصطلاحی مستقیماً از سوی خامنه‌ای بکار نرفته است ولی این اصطلاح برای اشاره به مجموعه ویژگی‌هایی که برای سیاست خارجی مطلوب جمهوری اسلامی بیان کرده‌اند، از جامعیت برخوردار است. از نظر ایشان آن سیاست خارجی عزت می‌آورد که «اسلامی» و «انقلابی» باشد. مراد از اسلامی بودن در اینجا، رعایت احکام اسلامی، به علاوه توجه به باورها، ارزشها و هنجارهای اسلامی در دیپلماسی باشد. نقش اسلام این است که جهت‌دهنده و مبنای همه سیاستهاست (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۳/۲۷). به علاوه، برای آنکه اسلام بتواند در مناسبات جهانی نقش‌آفرین باشد باید تلاش کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۲). مراد از انقلابی‌گری نیز پایبندی به همه آن ارزشها و آرمانهایی است که ملت برای آن به رهبری امام خمینی ره قیام کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵)، و عدول از آن امکان‌پذیر نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۵).

این مؤلفه چندین شاخص دارد. از جمله آنها عدم عقب‌نشینی از ارزشهای انقلابی و ملی، و نیز بی‌اعتنائی به قدرتهای بزرگ است. «نسبت به دشمن به هیچ وجه از موضع ضعف و رعب برخوردار نشود؛ عقل و منطق بر کل تصمیم‌گیری‌ها حاکم باشد؛ در عین اینکه عاقلانه و منطقی حرکت میشود، در مقابل تهدیدهای قدرتهای بزرگ، برخوردها کاملاً شجاعانه و گستاخانه باشد؛ این خطّ درست دیپلماسی است» (خامنه‌ای، ۱۳۳۷/۰۵/۳۱). لازمه

این مؤلفه حفظ مرزبندی با دشمن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) به صورتی که سایر قدرتها و بازیگران مشاهده کنند که ایستادگی بر هویت اسلامی و انقلابی سبب عزت و سربلندی ملت‌ها می‌شود.

شاخصه دیگر این مؤلفه عدم هراس از تهدیدات دشمن است زیرا این یک سنت الهی است که عقب‌نشینی سبب گستاخی او، و ایستادگی سبب نصرت الهی و عقب‌نشینی دشمن می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵). در عین حال، نباید به تهدیدات بی‌تفاوت بود، بلکه آنها جدی هستند، ولی ضروری و حتمی نیستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۵۸). پس برای تهدیدات باید برنامه داشت، و مکر دشمن را به خودش بازگرداند. لازمه چنین سیاست خارجی حرکت حکیمانه و مصلحت‌جویانه است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۶۶). لازمه رعایت توأمان این سه در دیپلماسی نیز بکارگیری عقلانیت انقلابی است.

رعایت احکام اسلامی شاخصه دیگر آن است. خامنه‌ای می‌فرماید تصور غلطی وجود دارد که اگر از برخی احکام اسلامی مانند دست دادن با نامحرم، نشستن بر سر سفره شراب، یا کراوات بستن عدول کنیم، تحت هر عنوانی، دیپلمات ایرانی نزد قدرتهای خارجی عزیز می‌شود یا سطح تنش کاهش می‌یابد. برخلاف چنین تصویری، اگر هم تنش شکل بگیرد ایرادی ندارد، بلکه ایستادگی بر احکام، ارزشها و هویت بومی سبب اقتدار و عزت در چشمان طرفهای خارجی می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۲). همچنین است عضویت در هرگونه کنوانسیون یا معاهده که ماهیت ضداسلامی یا ضدملی داشته باشد مانند کنوانسیون رفع تبعیض از حقوق زنان یا قبول اسناد ۲۰۳۰، مردود است. چرا که عدم تسلیم در برابر قواعد بین‌المللی که با هویت کشور منافات داشته باشد عزت می‌آورد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۴).

**۳- نفی سلطه‌پذیری:** عنوان مرسوم دیگر این مؤلفه حفظ استقلال کشور است. آیت‌الله خامنه‌ای «ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی» را از برکات انقلاب اسلامی و تحریم دشمنان می‌شناسد، که جدای از معجزه پیروزی در هشت سال دفاع مقدس، سایر توطئه‌های دشمنان ناکام مانده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بی‌اعتنائی به تهدیدات قدرتهای بزرگ در این مؤلفه نیز می‌تواند به مثابه یک شاخص در نظر گرفته شود. موضع‌گیری مناسب در برابر نظام سلطه شاخص دیگر است. برای نمونه وقتی در برابر اهانت سلمان رشدی، امام ره فتوای قتل او را صادر کردند، مجامع بین‌المللی بسیار کوشیدند ایران منزوی شود، و مسئولان تحت فشار قرار بگیرند. بعضی از نفرات در داخل نیز مرعوب شده بودند. در مقابل جمهوری اسلامی از اصل فتوای امام دفاع کرد و کوتاه نیامد. بلکه

کوشید با منطق قابل قبولی از آن دفاع کند. کمی بعدتر وقتی سفرای اروپای به نشانه تحقیر و تهدید ایران به کشورهای خود برگشته بودند، برای بازگشت به تهران نفر به نفر ضمن عذرخواهی، تقاضای بازگشت کردند و ایران از موضع عزت پذیرفت (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۵/۱۹). شاخص دیگر حفظ حقوق ملت در برابر تعارض منافع با کشورهای دیگر یا زیاده‌خواهی دشمنان است. خامنه‌ای فرمودند اگر چه با سلاح اتمی به لحاظ فقهی مخالف است، ولی ایران به هیچ وجه در برابر زیاده‌خواهی دشمنان مبنی بر تعطیلی کامل چرخه کامل سوخت هسته‌ای ایستادگی می‌کند زیرا این جزء حقوق ملی ایران است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۵). شاخص دیگر در تکمیل این شاخص اعتراض به عهدشکنی نیروهای خارجی است. همانطور که دولت اسلامی بنا بر قواعد شرعی و عقل عرفی به عهود بین-المللی خویش پایبند است، طرفهای خارجی نیز باید چنین کنند. عدم اعتراض دولت، نشانه زبونی و ضعف به حساب می‌آید. به عنوان مثال، خامنه‌ای به گزارش مغرضانه سازمان ای‌کائو (سازمان بین-المللی هوانوردی) در موضوع اسقاط هواپیمای مسافربری ایرانی توسط ناو آمریکائی وینسنس اعتراض می‌کند که به اعتراف آمریکائی‌ها اساس گزارش آن سازمان، توسط ارتش آن کشور تنظیم شده بود و بر آن اساس آمریکا از جمیع اتهامات مبرا شناخته شد. وی می‌گوید انتظار از سازمانهای بین‌المللی می‌رود که بی‌طرفانه و به دور از فشار قدرتهای بزرگ رفتار نکنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۴/۲۹). وی در دیدار با اعضای هیأت دولت دوازدهم گفتند: «در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمیدهد؛ به ما کمک نمیکنند و هر جا بتوانند ضربه میزنند؛ آنجایی که ضربه نمی‌زنند، آنجایی است که امکانش را ندارند؛ هر جا امکان داشته‌اند ضربه زده‌اند؛ این تجربه‌ی بسیار مهمی است. مطلقاً نایستی برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب موکول کرد و منوط کرد، چون قطعاً شکست می‌خورد، قطعاً ضربه می‌خورد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۵/۶). در سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران گفتند: «بحث این است که ما زمان اویاما به آمریکایی‌ها اطمینان کردیم و کارهایی را که باید بر اساس برجام انجام میدادیم انجام دادیم، [اما] آنها تعهد خودشان را انجام ندادند؛ یعنی روی کاغذ گفتند که تحریمها برداشته است، منتها عواملشان به هر شرکئی که خواست با ما قرارداد منعقد بکند گفتند «آقا این خطر دارد، این ریسک دارد و معلوم نیست چه خواهد شد»؛ یعنی طرف سرمایه‌گذار را ترساندند؛ این جورى اینها عمل کردند. ما به کار اینها اعتماد نداریم؛ تعهد اینها برای ما ارزشی ندارد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۰۱/۱).

۴- **نفی سلطه‌گری:** بنا بر آیه شریفه «الْأَظْلَمُونَ وَالْأَظْلَمُونَ» (بقره/ ۲۷۹) دولت اسلامی نه به خاک دیگران تجاوز می‌کند و نه اجازه تجاوز به دیگران به خاک خویش می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۲۶). سیاست خارجی جهادی نه روحیه تجاوزگری و توسعه‌طلبی دارد، نه در جستجوی حکومت واحد جهانی به رهبری جمهوری اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۴). پس عدم تجاوز و حفظ تمامیت ارضی سایر کشورها جزء شاخصه‌های این مؤلفه است. افزون بر این، احترام به حقوق ملت‌ها مطرح است. در دنیای کنونی دیگر توسعه‌طلبی سرزمینی کمتر مورد توجه قدرتهاست، ولی همچنان آنها می‌کوشند به نحوی منافع ملی خویش را تعریف کنند که به نقض حقوق سایر ملت‌ها منجر شود. درحالی‌که از نگاه خامنه‌ای، منافع ملی کشورها می‌بایست به نحوی تنظیم و تعقیب شود که به منافع دیگر ملت‌ها آسیب نرسد. «ما با نظام ارباب- رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده‌ی مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به عنوان یک ستون مستحکم در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵).

۵- **ظلم ستیزی و عدالت خواهی جهانی:** اگر چه جمهوری اسلامی به نظریه دولت- ملت وفادار است و به حاکمیت ملی کشورها احترام می‌گذارد، ولی ذات اسلام و آرمانهای انقلاب اسلامی اجازه نمی‌دهد نسبت به اتفاقات ظالمانه در اقصی نقاط عالم بی‌تفاوت باشد. این از نقاطی است که اخلاق بشری وارد سیاست خارجی می‌شود. پس یکی از مقومات منافع ملی ایران برقراری نظم بین‌المللی عادلانه و منصفانه است. پیش از این نیز گفته شد که خامنه‌ای نظم کنونی جهانی را نظام سلطه خوانده که دارای ساختار استعماری است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۵/۲۵). این مؤلفه چه شاخصه‌هایی دارد؟ مشخص است که مهمترین شاخصه ذیل این مؤلفه تجدیدنظرطلبی و مخالفت با بعضی از اصول و قواعد نظم بین‌الملل کنونی است؛ از جمله این قواعد می‌تواند انحصار حق و تو به اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. از نظر وی «جان انسان در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین ارزان، و در آمریکا و غرب اروپا گران قیمت‌گذاری می‌شود. امنیت آمریکا و اروپا مهم، و امنیت بقیه‌ی بشریت بی‌اهمیت دانسته می‌شود. شکنجه و ترور اگر به دست آمریکائی و صهیونیست و دست‌نشانندگان آنها صورت گیرد، مُجاز و کاملاً قابل چشم‌پوشی است. زندانهای مخفی آنها که در نقاط متعددی در قاره‌های گوناگون شاهد زشت‌ترین و نفرت‌انگیزترین رفتارها با زندانیان بی‌دفاع و بی‌وکیل و بی‌محاکمه است،

وجدان آنان را نمی‌آزارد. بد و خوب، کاملاً گزینشی و یکطرفه تعریف می‌شود. منافع خود را به نام «قوانین بین‌المللی»، و سخنان تحکم‌آمیز و غیرقانونی خود را به نام «جامعه‌ی جهانی» بر ملتها تحمیل می‌کنند و با شبکه‌ی رسانه‌ای انحصاری سازمان‌یافته، دروغهای خود را راست، و باطل خود را حق، و ظلم خود را عدالت‌طلبی وانمود می‌کنند و در مقابل، هر سخن حقی را که افشاگر فریب آنهاست، دروغ، و هر مطالبه‌ی برحقی را یاغی‌گری می‌نامند. دوستان! این وضعیت معیوب و پر زیان، غیرقابل ادامه است. همه از این هندسه‌ی غلط بین‌المللی خسته شده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹).

تعرض به حاکمیت کشورها، برهم زدن مرزها مطابق با ادعاهای تاریخی یا سیاسی، مخالفت با اشغالگری، مخالفت با رژیمهای سیاسی غیرقانونی مانند رژیم اشغالگر قدس یا رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جمله این شاخص هاست. در مقابل، حمایت از مخالفان نظمهای غیرقانونی، ناعادلانه، و استبدادی مانند نهضت‌های آزادی‌بخش نیز شاخص سیاست عزت‌مدارانه است.

در همین باره، آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «...دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است، کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت، این‌ها چیزهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود، اینها را باید دنبال کنیم، اصول اینهاست». (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۹/۱۶). یا در جایی دیگر فرمودند: «ما دفاع از ملت فلسطین را وظیفه اسلامی و واجب امت اسلامی می‌دانیم. امروز به برکت دفاع شجاعانه و فداکارانه‌ی ملت فلسطین از هویت خودشان و مظلومیتی که بر همه آشکار شده است، دفاع از ملت فلسطین آسانتر از گذشته است...» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵).

**۶- دیپلماسی همه‌جانبه، فعال، و مستقل:** آیا می‌توان تصور کرد که یک دولت از رتبه بالائی در ارزیابی قدرت ملی میان کشورهای جهان برخوردار باشد، در عین حال نتواند برای خود تصمیم بگیرد، تحت تأثیر سیاستهای قدرتهای دیگر باشد، در دیپلماسی منفعل و واکنشی رفتار کند، و در همه ابعاد و سطوح دیپلماسی درگیر نباشد؟ مطمئناً چنین کشوری قابل تصور است ولی بدون شک به دلیل فقدان ابتکار عمل و فقدان استقلال رأی، نمایش قدرت او توخالی خواهد بود. از شاخصه‌ها و نشانه‌های عزت در این مؤلفه می‌توان به مواردی مانند افزایش ارتباطات با ملتهای جهان خصوصاً امت اسلامی، داشتن دستورکار مستقل، نقش آفرینی مؤثر و مسئولانه در بحرانهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، محبوبیت نزد افکار عمومی جهان، حضور پررنگ در محافل و نشستهای دوجانبه و بین-

المللی، امضای معاهدات و توافقات دوجانبه و چندجانبه، عضویت در سازمانهای منطقه‌ای و بین-المللی، یا یاری‌رسانی به ملت‌های آسیب‌دیده در مواقع بحرانی مانند زلزله، سیل، یا آوارگان جنگی اشاره کرد. در همین رابطه به این چهار متن می‌توان استناد کرد:

«امروز عامل تداوم ضعف مسلمین، تفرق آن‌هاست. در هر دوره‌ای از زمان بیماری‌هایی بوده است. در این دوره، بیماری اصلی، عدم اتحاد کلمه‌ی مسلمانها است. می‌بینید که مرکز استکبار جهانی علناً و صریحاً نسبت به اسلام موضع‌گیری و جبهه‌گیری می‌کند. طرف، اسلام است. با اسلام معارض و مخالفند؛ چون می‌دانند که اسلام با داشتن یک‌پنجم جمعیت دنیا و با حضور در یکی از حساس‌ترین مناطق جهانی - که این منطقه‌ی مسلمان‌نشین است - و با دارا بودن ثروت و ذخایر عظیم و با داشتن میراث علمی و معنوی عمیق و عریق و کهن، بالقوه می‌تواند با جمع‌آوری امکانات خود مجموعه‌ی مقتدر، ثروتمند و مستقل تشکیل بدهد. و امروز برای دستگاه استکبار جهانی وجود یک مجموعه‌ی ثروتمند و قدرتمند و مستقل قابل تحمل نیست؛ هیچ دلیل دیگری لازم ندارد. اگر امت اسلامی از نفت خود، از نیروی انسانی خود، از بازارهای خود، از علم خود، از ذخایر گوناگون مادی و معنوی خود خوب استفاده کند، قدرتمندان عالم و سلطه‌گران نمی‌توانند این جور به او زور بگویند... دنیای اسلام قدرت خودش را باز خواهد یافت. ما امکانات زیادی داریم. همین عید فطر یکی از امکانات ماست؛ حج یکی از امکانات ماست؛ عید قربان یکی از امکانات ماست؛ این اجتماعات عظیم، این آیات قرآن که تلاوت می‌شود بر ما در همه‌ی آفاق اسلامی، امکانات ماست؛ از این‌ها بایستی استفاده کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۷/۲۴).

«ما باید در ارتباطات دوجانبه، ارتباطات منطقه‌ای و در مجامع جهانی حضور فعال داشته باشیم و نباید هیچ مجمع جهانی را که در آن عضو هستیم، دست کم بگیریم. این که ما مایوس بشویم و بگویم فایده‌ای ندارد، گوش نمی‌کنند؛ غلط است. همه چیز فایده دارد؛ همه‌ی تلاشها فایده دارد. یک ارزن را هم که شما حساب کنید، وزنی دارد که این وزن در نقطه‌ای تعیین کننده است. باید تلاش کنیم تا مؤلفه‌های قدرت خودمان را بشناسیم و در بسیاری از مسائل جهانی، موضع اساسی جمهوری اسلامی را به عنوان یک موضع تهاجمی اتخاذ کنیم. ما در چند مسأله می‌توانیم موضع تهاجمی داشته باشیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۴۷).

«سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمی‌کند. ما در گذشته هم تصریح کرده‌ایم و الان هم می‌گوییم که برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمیل، آماده‌ایم با هر کشوری - به جز چند استثناء

که دلایل خاص و واضح خودش را دارد- ارتباط داشته باشیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷).

«ما به عنوان یک نظام، فرقه‌های عنصری و جوهری با تقریباً همه نظامهای دنیا داریم که کاریش هم نمی‌شود کرد. ما یا باید از حرفه‌ایمان عدول کنیم یا باید روی دنیا تاثیر بگذاریم. از این دو کار کدام یک برای ما آسانتر است؟ مسلماً دومی. چون اولی اصلاً امکان ندارد. زیرا روزی که جمهوری اسلامی از حرفه‌ها، ارزشها و اصول خود عدول کند دیگر جمهوری اسلامی نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۳۵). در جدول‌های ۱ و ۲ به ترتیب شاخصهای استخراجی از کلام رهبری، و کدهای انتخابی برگزیده هر کدام به صورت نمونه ارائه می‌گردد.

جدول ۱: مؤلفه‌ها و شاخص‌های عزت در سیاست خارجی

مؤلفه	شاخص
سیاست خارجی جهادی	رعایت احکام اسلامی پابندی به آرمانهای انقلاب مخالفت و اعتراض با پیمانها و کنوانسیونهای ضداسلامی و ضدملی عدم هراس از تهدیدات دشمن بی‌اعتنائی به قدرتهای بزرگ
نفی سلطه‌پذیری	حفظ تمامیت ارضی بی‌اعتنائی به قدرتهای بزرگ موضع‌گیری مناسب در مقابل نظام سلطه حفظ حقوق ملت موضع‌گیری در مقابل عهدشکنی قدرتها
نفی سلطه‌گری	عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر احترام به حقوق ملتها
ظلم ستیزی، و عدالت خواهی جهانی	تجدید نظرطلبی حمایت از نهضتهای آزادی بخش مخالفت با اشغالگری مخالفت با اسرائیل و آپارتاید

ارتباطات با همه ملت‌ها نقش آفرینی مسئولانه در مسائل خارجی محبوبیت نزد ملت‌های دیگر داشتن دستور کار مستقل و ابتکار عمل	دیپلماسی همه جانبه، فعال و مستقل
گسترش حضور منطقه ای ایران زمین گیر شدن آمریکا و متحدانش در منطقه	افزایش توان و اقتدار ملی

جدول ۲: موارد نمونه از کدهای انتخابی شاخص‌ها

مؤلفه (مضمون)	شاخص	رمزگان برگزیده (شاهد مثال)
سیاست خارجی جهادی	رعایت احکام اسلامی	«سفرای ما در نمایندگی‌های خارجی بر حفظ صددرصد تعیبات و ظواهر اسلامی نسبت به خود و خنوادها و همکارانشان مراقبت کند و این مسأله را در گزینشها رعایت نمایند. به هیچ وجه در این مسأله اعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما به این است» (۱۳۷۵/۳۱).
	پایبندی به آرمانهای انقلاب	«این آن چیزی است که شما را در چشم طرف مقابل بزرگ می‌کند، هیئت شما را زیاد میکند... پافشاری بر اصول، بر مبانی شرعی...» (۱۳۸۷/۱۲/۹).
		«بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبای‌العم صحبت کردم. مبای‌العمی ما آن‌هاست... اگر این پایبندی وجود دلنست حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود در تبدیل حواضت این حرکت تغییر پیدا نمیکند... قطعی مقابل این پایبندی عمل‌گرایی فراطبی است. یعنی هر روزی به یک طرف رفتن، هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاند» (۱۳۹۵/۳/۱۶).
		«نفس اعلام مواضع اسلامی در دنیای اسلام، اعتبار ما را افزایش می‌دهد و برای ما امتیاز است و نشانه‌هنگام عمق استراتژیک ما و کمک کننده به ما است. از این مبای‌العمی هیچ وقت کوتاه نیاید؛ در اظهارات هم هیچ وقت کوتاه نیاید» (۱۳۸۳/۵/۲۵).

<p>«بنده در مورد همین چیزهایی که اخیراً در مجلس مطرح شد در این چند ماه اخیر، گفتم مجلس مستقلاً خودش قانون بگذراند. فرض کنیم موضوع مبارزه‌ی با تروریسم یا با پولشویی است؛ خیلی خوب بنشینند یک قانون بگذرانند. هیچ لزومی ندارد که ما برویم چیزهایی را که نمایانیم ته آن چیست یا حتی میدانیم که مشکلاتی هم دارد، به‌خاطر آن جهات مثبت و جنبه‌های مثبت، قبول بکنیم» (۱۳۹۷/۳/۳۰).</p> <p>«این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرفها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه به‌اصطلاح بین‌المللی ای - که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است» (۱۳۹۶/۲/۱۷).</p> <p>این مجمع جهانی، مثلاً و به ظاهر، یک مجمع غیرسیاسی است؛ اما باطن قضیه، این‌طور نیست. شما دیده‌اید مجمع جهانی چه می‌کنند! دیدید شورای امنیت و سازمان ملل، با بوسنی هرزگوین چه کردند! دیدید سازمان «ایکائو»، در قضیه‌ی هواپیمای ما - که امریکا آن را ساقط کرد - چه کرد. امریکاییها خودشان گزارش دادند و گفتند «گزارش ایکائو با همکاری ارتش امریکا تهیه شد!» خوب، «ایکائو» مثلاً یک سازمان بی‌طرف بین‌المللی است» (۱۳۷۱/۵/۲۱).</p>	<p>مخالفت و اعتراض با پیمانها و سازمانهای ضداسلامی و ضدملی</p>	
<p>«اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است» (۱۳۹۱/۱۰/۱۹).</p> <p>«این سنت الهی است؛ اگر مسلمانها بایستند، بر همه‌ی سازویرگ قدرتهای طاغوتی و مستکبر پیروز خواهند شد» (۱۳۹۷/۹/۴)</p>	<p>عدم هراس از تهدیدات دشمن</p>	
<p>«نسبت به دشمن به‌هیچ وجه از موضع ضعف و رعب برخوردار نشود؛ عقل و منطق بر کل تصمیم‌گیری‌ها حاکم باشد؛ در عین اینکه عاقلانه و منطقی حرکت میشود، در مقابل تهدیدهای قدرتهای بزرگ، برخوردها کاملاً شجاعانه و گستاخانه باشد؛ این خطّ درست دیپلماسی است» (۱۳۳۷۰۵/۳۱).</p>	<p>بی‌اعتنائی به قدرتهای بزرگ</p>	
<p>«[انقلاب اسلامی] ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).</p>	<p>حفظ تمامیت ارضی</p>	<p>قوی سلطه‌پذیری</p>

<p>«مواضع تان را در عرصه‌های دیپلماسی صراحتاً بگویید؛ البته در مکان و زمان مناسب» (۱۳۷۴/۵/۲).</p> <p>«جائی که ما پایبندی و اعتقاد دینی قوی نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون آن را درست نمی‌شناسد ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت» (۱۳۳۷/۵/۳۱).</p> <p>«اگر جمهوری اسلامی بخواهد عزت و حیات خود را حفظ کند، باید در مقابل افزون خواهی و زیاده‌طلبی آنها، قاطعیت نشان دهد. لذا در کار دیپلماسی، این اصل اساسی است» (۱۳۷۵/۵/۱۶).</p> <p>«وقتی این کتاب [آیات شیطانی] رایج شد و مردم آن را خواندند، آرام آرام اهانت کردن به اسلام عادی می‌شود. این را می‌خواستند! این‌جاست که الهام الهی، آن مرد ربانی را وادار به آن حرکت عظیم کرد و توطئه‌هایشان متوقف ماند... بنا بود اسلام را سبک کنند. امام با آن فتوا، ناگهان همه‌ی نقشه‌های اینها را نقش بر آب کرد» (۱۳۷۱/۱۱/۲۵).</p>	<p>موضع گیری</p> <p>مناسب در</p> <p>مقابل نظام</p> <p>سلطه</p>	
<p>«جنگ، جنگ است. دیپلماسی هم یک جنگ است... متها جنگی در یک میدان و یک صحنه دیگر... [هر دولتی] همه تلاشش را می‌کند تا آن قطره آخر منافعش را استیفا کند و اگر بتواند از منافع شما هم بگیرد... شما [دیپلماتها] هم برای ملت و برای کشور خودتان متقابلاً حق ندارید که سر سوزنی از منافع کوتاه بیایید...» (۱۳۷۷/۸/۲۷).</p> <p>«اینکه ملت ایران در مقابل زیاده‌خواهی و زیاده‌گویی آمریکا ایستاده است، این نقطه‌ی اصلی اقتدار ملت ایران است» (۱۳۹۵/۲/۲۹).</p>	<p>حفظ حقوق</p> <p>ملت</p>	
<p>«در این دولت [دوازدهم] معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمیده؛ به ما کمک نمیکنند و هر جا بتوانند ضربه میزنند؛ آنجایی که ضربه نمیزنند، آنجایی است که امکانش را ندارند؛ هر جا امکان داشته‌اند ضربه زده‌اند؛ این تجربه‌ی بسیار مهمی است. مطلقاً نیابستی برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب موکول کرد و منوط کرد، چون قطعاً شکست میخورد، قطعاً ضربه میخورد» (۱۴۰۰/۵/۶).</p> <p>«فریب لبخند دشمن را، فریب وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه قدرت مادی‌ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد می‌شکند» (۱۳۹۱/۱۱/۱۲).</p>	<p>موضع گیری</p> <p>در مقابل</p> <p>عهدشکنی</p> <p>قدرت‌ها</p>	

<p>«اینکه گفته بشود «جمهوری اسلامی ایران توسعه طلب است، میخواید فلان‌جا را تصرف کنید»، اینها حرفهای مهممل و بی‌معنا و خلاف واقع و دروغی است؛ نه، ما قصد توسعه و نگاه توسعه‌طلبی به هیچ نقطه‌ای از دنیا نداریم؛ احتیاج هم نداریم، بحمدالله کشور بزرگ، آباد و پرظرفیتی در اختیار ملت ایران است. [این حضور] به‌خاطر این است که در منطقه‌ی سوریه، در غرب آسیا، مقاومت در مقابل ظلم وجود داشت و وجود دارد؛ به این دلیل ما آنجا حضور پیدا کرده‌ایم» (۱۳۹۷/۱/۲۵).</p>	<p>عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر</p>	<p>نفی سلطه‌گری</p>
<p>«ایران خواهان عراق عزتمند با حفظ تمامیت ارضی و وحدت و انسجام داخلی است» (۱۳۹۹/۵/۱)</p> <p>«اهداف‌های آمریکا کاملاً استعماری، استکباری، زیاده‌طلبانه، ضد حقوق بشر و ضد حقوق ملت‌هاست» (۱۳۸۱/۹/۱).</p>	<p>احترام به حقوق ملتها</p>	
<p>«رویدادهای سیاسی و نظامی در این روزها، تشکیل‌دهنده‌ی بخشی از همان پیچ تاریخی جهان است که گمان آن رفته بود» (۱۴۰۰/۱۲/۲۰).</p> <p>«اگر نظام اسلامی در قبال نظم منقطع جهانی هویت خودش را از دست داد، شکست خواهد خورد؛ اهمیت نظام اسلامی - که می‌گوییم دنیا را تکان داد این انقلاب - به‌خاطر این است؛ یک چیز جدید آورد. خوب، این چیز جدید، نظام ظالمانه و غیر عادلانه و مبتنی بر ظلم و زور و تزویر و مانند اینها را به چالش کشید؛ جمهوری اسلامی، نظام جهانی ظالمانه را به چالش کشید؛ علت مخالفت با ما هم همین است» (۱۳۹۴/۱۲/۲۵).</p>	<p>تجدید نظر طلبی</p>	<p>ظلم‌ستیزی، و عدالت‌خواهی جهانی</p>
<p>«ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم پرافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است» (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).</p> <p>«اما دفاع از ملت فلسطین را وظیفه اسلامی و واجب امت اسلامی می‌دانیم. امروز به برکت دفاع شجاعانه و فداکارانه‌ی ملت فلسطین از هویت خودشان و مظلومیتی که بر همه آشکار شده است، دفاع از ملت فلسطین آسانتر از گذشته است...» (۱۳۸۷/۰۹/۱۵).</p>	<p>حمایت از نهضت‌های آزادی بخش</p>	

<p>«ما با نظام ارباب- رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه‌مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را، به عنوان یک ستون مستحکم در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم» (۱۳۸۷/۰۵/۲۵).</p> <p>«ملت‌های مسلمان از سلطه‌ی دویست ساله‌ی بیگلنگان و استعمارگران به ستوه آمده و از قسر و ذلت و عقب‌ماندگی تحمیلی خسته شده‌اند» (۱۳۸۵/۱/۲۵).</p> <p>«اولی، استعمار همین‌گونه بود؛ دولت‌های استعمارگر اروپایی کشورهای را در آسیا و آفریقا به‌زور می‌گرفتند. بعد یک حاکم نظامی را از طرف خودشان در آنجا می‌گذاشتند تا تمام کنترل منطقه در دست او باشد. در هند، استرالیا، کانادا، آفریقا و کشورهای متعدّد همین کار را کردند. بعد از گذشت مدّتی دینند حاکم بیگانه‌ی نظامی را بر ملتی گذاشتن خطا و غلط است، فرمول را عوض کردند حکمی از خود آن کشورها می‌یافتند و نصبشان می‌کردند که صددرصد مطیع این‌ها باشند کمکشان هم می‌کردند امکانات هم می‌دادند او هم کشور را برای چپاول استعمارگران راحت و آزاد می‌گذاشت و دروازه‌ها را باز می‌کرد تا استعمارگران هر کار می‌خواهند بکنند یک دوره هم این‌گونه گذشت» که دینند این هم درست نیست و اشتباه کرده‌اند؛ برای اینکه ملتها علیه این حکام که هرچند وطنی و خودی به حساب می‌آیند اما چون وابسته‌ی به آن‌ها هستند و مستبد و ظالمند قیام می‌کنند بعد از این روش، از یک دورانی شروع کردند روش را عوض کردند؛ این شیوه یک شیوه‌ی علی‌الظاهر دموکراتیک و با تسلط و سلطه‌ی فرهنگی بود که حاکمی را که طرفدار آن‌هاست، به‌اصطلاح خودشان انتخاب کنند» (۱۳۸۷/۱/۲۲).</p>	<p>مخالفت با اشغالگری</p>	
<p>«در مساله فلسطین، آنچه که هدف است استملاّ فلسطین است؛ یعنی محو دولت اسرائیل» (۹/۱۳/۱۳۹۹).</p> <p>«بوضوح رژیم صهیونیستی حیثیت امروز ضعیف‌تر از گذشته است. چند سال قبل از این، رژیم صهیونیستی در مقابل حزب‌الله لبنان شکست خورد؛ ۳۳ روز توانست مقاومت بکند و بعد شکست خورد؛ دو سال بعد از آن در مقابل فلسطینی‌ها ۲۲ روز توانست مقاومت کند و شکست خورد؛ چند سال بعد در مقابل مردم مظلوم غزه ۸۵ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ در همین هفته‌ی اخیر ۲ روز توانست مقاومت بکند و شکست خورد؛ این ضعف رژیم صهیونیستی است- ضعف روزافزون رژیم صهیونیستی است» (۱۳۹۷/۹/۴).</p> <p>«جمهوری اسلامی از ابتدا رژیم صهیونیستی و رژیم آیرتاید آفریقای جنوبی را به رسمیت نشناخت، آیرتاید سقوط کرد و رژیم غاصب و نژادپرست صهیونیستی نیز ساقط خواهد شد» (۱۳۹۷/۷/۲).</p>	<p>مخالفت با اسرائیل و آیرتاید</p>	

<p style="text-align: center;"><b>دیپلماسی همه جانبه، فعال و مستقل</b></p>	<p>ارتباطات با همه ملت‌ها</p>	<p>«سیاست خارجی ما نسبت به گذشته هیچ تفاوتی نکرده و نمی‌کند ما در گذشته هم تصریح کردیم و الان هم می‌گوییم که برای ایجاد ارتباط سالم و دور از تکلف و تحمل، آماده‌ایم با هر کشوری- به جز چند استثناء که دلایل خاص و واضح خودش را دارد- ارتباط داشته باشیم» (خلمنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۷).</p>
	<p>نقش آفرینی مسئولانه در مسائل خارجی</p>	<p>«... و امروز برای دستگاه استکبار جهانی وجود یک مجموعه‌ی ثروتمند و قدرتمند و مستقل قابل تحمل نیست؛ هیچ دلیل دیگری لازم ندارد. اگر امت اسلامی از نقت خود از نیروی انسانی خود از بازارهای خود از علم خود از ذخایر گوناگون مادی و معنوی خود خوب استفاده کند قدرتمندان عالم و سلطه‌گران نمی‌توانند این جور به او زور بگویند... دنیای اسلام قدرت خودش را باز خواهد یافت. ما امکانات زیادی داریم. همین عید فطر یکی از امکانات ماست؛ حج یکی از امکانات ماست؛ عید قربان یکی از امکانات ماست؛ این اجتماعات عظیم، این آیات قرآن که تلاوت می‌شود بر ما در همه‌ی آفاق اسلامی، امکانات ماست؛ از این‌ها بایستی استفاده کنیم» (۱۳۸۳/۰۸/۲۴).</p> <p>«ما باید در ارتباطات دوجانبه، ارتباطات منطقه‌ای، و در مجامع جهانی حضور فعال داشته باشیم و نباید هیچ مجمع جهانی را که در آن عضو هستیم دست کم بگیریم. این که مایوس بشویم و بگوییم فایده‌ای ندارد گوش نمی‌کنند، غلط است. همه تلاشها فایده دارد» (۱۳۸۳/۰۵/۲۵).</p> <p>«جمهوری اسلامی در همه احوال طرفدار ملت مظلوم و مسلمان افغانستان است و روابط ما با دولت‌ها، به روابط و رفتار آنها با ایران بستگی دارد. این مشکلات و سختی‌ها کار آمریکایی‌ها است که ۲۰ سال کشور را اشغال و انواع ظلم را به مردم آن تحمیل کردند» (۱۴۰۰/۰۶/۲۶).</p>

<p>«بالافاصله پس از پیروزی انقلاب- که معنای درست توحید و نفی عبودیت غیر خدا و عزت در برابر هر کس و هر چیز غیر خدا را در عمل و واقعیت به همه نشان داد- مسلمانان در نقاط بسیاری از جهان، احساس شخصیت و عزت نموده، در مقابل قدرتمندان و زورگویان ایستادند و سرفصل جدیدی در مبارزات ملل مسلمان به وجود آمد؛ از جمله حرکت عظیم مردم مسلمان در افغانستان و شروع مبارزات مردمی در سرزمین فلسطین ... و شروع نهضت‌های اسلامی زیادی در کشورهای مسلمان آفریقایی و آسیایی و حتی در اروپا که همه براساس جاذبه اسلام و شوق به تحقق احکام الهی به وجود آمده و اسلام را رهایی‌بخش و عزتبخش خود میدانند... و چنین بود که جمهوری اسلامی به برکت اسلام، از پشتوانه‌ی مردمی نیرومندی در مقیاس جهانی برخوردار گشت و این به نوبه‌ی خود، بر توانایی و آسیب‌ناپذیری جمهوری اسلامی - که هم‌هی سلطه‌های بزرگ جهانی، با آن سرنسازگاری دارند- افزوده است» (۱۳۶۹/۳۱۰).</p> <p>«امروز در دنیا عزت و عظمت ملت ایران - که دشمن هم به آن اقرار میکند - به برکت همین انقلاب و این حضور مردمی است؛ و ملت ایران این را از دست نخواهد داد» (۱۳۷۱/۲۹).</p> <p>«حتی در دنیای غیر مسلمان، امروز عزت و لیهت مکت ما بسیار برجسته است و این را همه تصدیق میکنند و از نشانه‌ها و عکس‌العمل‌های خارجی‌اش هم این را می‌فهمیم» (۱۳۸۵/۶۶).</p>	<p>محبوبیت نزد ملت‌های دیگر</p>	
<p>«یکی از کارهای اساسی برای ما مجموعه‌سازی است... ایجاد مجموعه‌های متناسب به نهادهای گوناگون؛ از قبیل اکو... ما دو گانه مجموعه‌سازی می‌توانیم بکنیم: یکی در بخش کشورهای اسلامی، ... فرضا کشورهای فارسی زبان، ... کشورهای حوزه دریای خزر... یکی هم با کشورهای برجسته آسیا که نقش آفرینند مثل چین، مثل روسیه، مثل هند...» (۱۳۷۹/۵۲۵).</p> <p>«تعیین اولویتها براساس منافع ملی باید نوبت به نوبت عوض شود. اولویتهایی که ما اول انقلاب برای ارتباطات خود معین می‌کردیم، براساس منافع ملی ما در آن روز بود؛ ممکن است امروز منافع ملی ما چیز دیگری را ایجاب کند. ما نباید دست و پای خود را در پوست گردو بگناریم... اولویتهای سیاست خارجی ... را باید در هر برهه‌ای از زمان براساس منافع ملی تعریف کرد؛ البته در چارچوب همان نظام ارزشی، نه بیرون از آن» (۱۳۸۷/۲۷).</p> <p>«سرعت عمل، بسیار مهم است. در مسائل جهانی هر تصمیمی گرفته می‌شود باید با سرعت عمل باشد» (۱۳۸۷/۳۷).</p>	<p>داشتن دستور کار مستقل و ابتکار عمل</p>	
<p>«هن مکرر گفتم، ملت ما باید به جایی برسد که دانش‌پژوهان عالم، برای اینکه به قلم‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند؛ این یک جایگاه تعریف شده است. ما ممکن است پنجاه سال دیگر به اینجا برسیم؛ باشد» (۹۳۷/۱۰).</p> <p>«یک مسئله‌ی دیگر در مورد شعر، کارکرد اجتماعی شعر است؛ شعر، حافظ هویت ملی است،</p>	<p>تقویت زبان ملی فارسی</p>	<p>افزایش توان و اقتدار ملی</p>

<p>حافظ هویت ملی. هویت ملتها عبارت است از مشخصه‌های فرهنگی آنها و مزیت‌های فرهنگی آنها؛ این هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. این هویت فرهنگی، اصل است؛ اگر چنانچه این از یک ملتی گرفته بشود، این ملت هضم خواهد شد. یعنی در واقع به معنای حقیقی کلمه ناپود خواهد شد؛ حالا در یک مشخصه‌ی جغرافیایی قرار می‌گیرد اما چیزی نیست؛ هست، اما بودن او مثل بودن است؛ هویت فرهنگی، همه‌ی حیات یک مجموعه و یک ملت است. شعر می‌تواند این هویت فرهنگی را هم تقویت کند و غنی کند و تغذیه کند» (۹۳/۲۱).</p>		
<p>«نتیجه سالها ایستادگی جمهوری اسلامی و سرمایه‌گذاری بر علوم و فنون اقتصاد آفرین امروز در ابتدای گام دوم انقلاب اسلامی، کشور در جهان عزت دارد. گسترش حضور مقتدرانه مطلقه‌ای ایران در غرب آسیا و زمین‌گیر شدن آمریکا و متحلمان مطلقه‌ای او در منطقه از نشانه‌های عزت است» (۱۳۹۷/۱۷/۲۲)</p>	<p>گسترش حضور منطقه ای ایران زمین گیر شدن آمریکا و متحدانش در منطقه</p>	

### جمع بندی:

کسب قدرت به منظور حفظ استقلال و نیز توسعه نفوذ در منطقه یکی از اهداف اصلی دولت‌ها می‌باشد. بازیگران روابط بین الملل دوست دارند آزادانه و بنابر اهداف ملی و منافع ملی خویش تصمیم گرفته، برنامه‌ریزی و اجرا کنند. این حالت آرمانی است ولی این که چه میزان در عمل موفق بشوند، بحث دیگری است. این امر در ادبیات دینی «عزت» خوانده می‌شود. عزت به یک وضعیت استغنائی درونی دلالت دارد.

اینکه عزت در سیاست خارجی چه تعریفی دارد محل اختلاف است. برحسب تفاوتها، در مؤلفه‌ها و شاخصها نیز اختلاف شکل خواهد گرفت. از آنجائی که رهبر انقلاب مسئول سیاستگذاری خارجی در جمهوری اسلامی است، کشف رویکرد وی در سیاست خارجی، و استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌ها می‌تواند برای پیشبرد دیپلماسی نظام مثمر ثمر باشد. ایشان سیاست خارجی نظام را بر سه اصل استوار دانسته است: عزت، حکمت، مصلحت. ترکیب این سه در چارچوب عقلانیت انقلابی و الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه میسر می‌شود. شاید بتوان گفت عزت برآیندی از دو اصل دیگر است.

یعنی اگر رفتارهای نظام مبتنی بر حکمت و مصلحت باشد عزت خودبخود تولید می‌شود.<sup>۱</sup> در اندیشه رهبری، عزت در سیاست خارجی آن وضعیتی است که دولت تحت تأثیر اراده خارج از خود قرار نداشته باشد (داوری و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۸: ۱۷۱). ایشان در این حوزه مجموعه گفتارها و نوشتارهایی دارند که از مطالعه آنها شش مؤلفه، و برای هر کدام از درون همان بیانات شاخصها استخراج گردیدند. مؤلفه‌ها عبارتند از: افزایش قدرت و اقتدار ملی، سیاست خارجی جهادی، نفی سلطه‌گری، نفی سلطه‌پذیری، دیپلماسی همه‌جانبه، فعال و مستقل، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی جهانی. بعضی از شاخصها عبارتند از: حفظ تمامیت ارضی، داشتن دستورکار مستقل، بی‌اعتنائی به قدرتهای بزرگ، نهراسیدن از تهدیدات قدرتها، رعایت احکام اسلامی، استقامت بر روی هویت ملی، افزایش ارتباطات با ملت‌های جهان، افزایش توان اقتصادی و نظامی.

#### فهرست منابع:

- امینی، میرعزیز، و صفری، علی آقا، (۱۴۰۰)، «مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات قرآن و علوم، دوره ۵، شماره ۱۰، اسفند، صص: ۳۷-۶۷.
- ناییج، علیرضا، نگهداری، محمد، و نوروزی فیروز، رسول، (۱۴۰۰)، «تألیف قلوب و عزت در سیاست خارجی دولت اسلامی»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۹، شماره ۳۳، صص: ۲۸۱-۲۹۶.
- رضائی اندیشمند، ابوالقاسم، (۱۳۹۵)، «عزت، حکمت، مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه باقرالعلوم.
- اسدی، ناصر، (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای (گفتمان تعامل‌گرائی ضدنظام سلطه)»، فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال دوم، شماره پنجم، بهار و تابستان، صص: ۱۰۷-۱۳۲.
- اسدی، ناصر (۱۳۹۱/۲/۳۰)، «پیوند اقتدار و ضدیت با نظام سلطه در دکترین آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای»، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، لینک دسترسی: [farsi.khamenei.ir/others-](http://farsi.khamenei.ir/others-)

<sup>۱</sup> - اینکه مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمت و مصلحت چیستند، هم تحقیقاتی شده است و هم به تعمق بیشتر نیازمند است.

note?id=19865. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۹.

خامنه‌ای، سیدعلی حسینی، (۱۳۹۰)، راهبردهای سیاست خارجی: برگرفته از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی حسینی، (۱۴۰۰/۶/۶)، «بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت سیزدهم»، برگرفته از سایت: farsi.khamenei.ir، کد خبر: ۴۸۵۸۸، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۱۰.

خامنه‌ای، سیدعلی حسینی، (۱۴۰۰/۱/۱)، سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، لینک دسترسی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47576>. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۹.

خامنه‌ای، سیدعلی حسینی، (۱۴۰۰/۵/۶)، بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت دوازدهم، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، لینک دسترسی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48356>. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۹.

خامنه‌ای، سید علی حسینی، (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)، «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، لینک دسترسی: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۸.

خامنه‌ای، سید علی حسینی، (۱۳۹۲/۶/۲۶)، بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، لینک دسترسی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24033>. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۱۰.

خامنه‌ای، سید علی حسینی، (۱۳۷۰/۴/۱۸)، «بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خارجه»، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، لینک دسترسی: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471>. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۹.

خامنه‌ای، سیدعلی حسینی، (۱۳۶۷/۱۱/۱۹)، «بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز نیروی هوایی»، سایت حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، لینک دسترسی: [farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2265](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2265). تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۹.

خامنه‌ای، سید علی حسینی، (۱۳۸۳/۷/۲۴)، بیانات در دیدار با سفرای کشورهای اسلامی، سایت

خبرگزاری تحلیلی تیپیان، لینک دسترسی: \_\_\_\_\_

<https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/97152/1>، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۹.

خدادی، حسن، (۱۳۹۹)، «الگوی جستاری برای تبیین عزت طلبی در سیاست خارجی انقلاب

اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۵، شهریور: ۱-۲۲.

عباسی، کریم، و نصیری، رضا (۱۴۰۰)، «راهبرد سه گانه عزت، حکمت و مصلحت مقام معظم

رهبری در سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، دوره ۶، شماره ۲۳، خرداد، صص: ۹۵-۱۱۴.

نصیری پویا، هادی، (۱۳۹۹)، «عزت ملی در جهت گیری سیاست خارجی ایران از دیدگاه مقام

معظم رهبری»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، شماره ۴۳، پاییز.

داوری، روح الله، و دیاری بیدگلی، محمدتقی، (۱۳۹۸)، «تبیین مبانی قرآنی اصل عزت در سیاست

خارجی با تأکید بر اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای»، سال شانزدهم، شماره ۴۹، تابستان، صص: ۱۷۷-۱۵۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، و مرتضوی شریف، علی، (۱۳۹۶)، «الگوی تصمیم‌گیری سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی،

سال ۱۱، شماره ۳۸، بهار، صص: ۱۱۳-۱۳۰.

شبان‌نیا، قاسم، (۱۳۹۹)، «استلزامات رفتاری اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران»، فصلنامه فقه و سیاست، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص: ۹۰-۱۱۵.

زارعی، غفار، (۱۳۹۸)، «بررسی نظری دکترین مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، پاییز، صص: ۲۴۰-۲۱۵.

فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

کبیری، ابوالحسن (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، دوره ۶، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)،

زمستان، صص: ۵۵-۷۵.

نیکزاد، عباس، (۱۳۸۳)، «اصول سیاست خارجی در قانون اساسی»، مجله رواق اندیشه، شماره ۳۱،

تیر ماه، برگرفته از سایت: [farsi.khamenei.ir](http://farsi.khamenei.ir)، کد خبر: ۱۷۳۴۰، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۱۰.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق.)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه داراحیاء التراث عربی.

Attride-Stirling, J. (2001), Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research* 1, pp.385-405.

Braun, Virginia; Victoria Clarke (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology* 3 (2): 83.